

متن پرسش

سلام استاد وقت بخیر: قبلا سوالی درباره سایه نداشتن پیامبر پرسیده بودم و پاسخی گفته بودین. این موضوع رو دوباره داشتیم بررسی می کردم که به این مطلب برخوردیم و بنظرم مناسب اومد برای حضرتعالی ارسال کنم. در برخی منابع شیعه و اهل سنت روایاتی در مورد سایه نداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است. البته برخی روایات این باب دارای ضعف سند اند و تعداد معدودی از نظر سندی قابل اعتماد و اطمینان اند. نهایتا این مطلب مستند به خبر واحد خواهد بود که در ادامه به برخی از این روایات اشاره خواهد شد: ابن جوزی در کتاب الوفاء باحوال المصطفی (صلی الله علیه و آله) از ابن عباس نقل می کند: لم یکن لرسول الله (صلی الله علیه و آله) ظل و لم یقم مع شمس قط الا غلب ضوء الشمس؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) سایه نداشت و هرگاه زیر نور آفتاب قرار می گرفت، نورش بر نور آفتاب غلبه می کرد. (۱) در کتاب الشفاء بتعریف حقوق المصطفی (صلی الله علیه و آله) نیز چنین روایت شده: انه کان لا ظل شخصی فی شمس و لا قمر لانه کان نورا؛ برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) زیر نور خورشید و ماه سایه ای وجود نداشت؛ چرا که او نور بود. (۲) علاوه بر کتب مذکور، دیگر روایان و دانشمندان اهل سنت نیز به این مطلب اشاره کرده اند؛ مانند: مرداوی در الانصاف (۳)، ابن سبع در خصائص، سیوطی در الخصائص الكبرى (۴)، قسطلانی در المواهب (۵). اما در منابع روایی امامیه نیز این مطلب هم برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هم ائمه (علیهم السلام) نقل شده است. مرحوم کلینی در این رابطه از قول امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود: كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ثَلَاثَةٌ لَمْ تَكُنْ فِي أَحَدٍ غَيْرِهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيَّ وَ كَانَ لَا يَمُرُّ فِي طَرِيقٍ فَيَمُرُّ فِيهِ بَعْدَ يَوْمَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةٍ إِلَّا عُرِفَ أَنَّهُ قَدْ مَرَّ فِيهِ لِطَيْبِ عَرْفِهِ وَ كَانَ لَا يَمُرُّ بِحَجْرٍ وَ لَا بِشَجَرٍ إِلَّا سَجَدَ لَهُ. (۶) همین روایت در کتاب مکارم الاخلاق (۷) مرحوم طبرسی و مناقب (۸) ابن شهر آشوب نیز مطرح شده است. شیخ صدوق نیز در کتاب خصال، ضمن برشمردن اوصاف دهگانه امام، از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می کند: ... تنام عینه و لا تنام قلبه و لا یکون له فیء ... (۹) ایشان در کتاب من لا یحضره الفقیه نیز سایه نداشتن امام را از علامات او بیان می کند. (۱۰) در مورد سند روایات اهل سنت باید گفت که این دو روایت سلسله سند نداشته و ضمنا روایتی در مورد سایه نداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صحاح سته بیان نشده است. این عدم نقل در کتب معتبر ممکن است به دلیل ضعف سند این روایات بوده باشد. اما در مورد سند روایات بیان شده در منابع شیعه، روایت وارد شده در کافی بعلت وجود راویان ضعیف قابل قبول نیست. البته روایت مطرح شده در کتاب شریف من لا یحضره الفقیه دارای سند قابل اعتماد است.

همچنین روایتی در کتاب کمال الدین و تمام النعمة (۱۱) در مورد اوصاف حضرت حجت (علیه السلام) بیان شده که آنها از نظر سندی بلااشکال است. با توجه به روایات ذکر شده، در ضمن چند نکته می توان بحث را ادامه داد: ۱. وجود چنین خصوصیتی اگر در تمام اوقات برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امام (علیه السلام) ثابت بوده است، باید دیگر راویان و اصحاب ایشان نیز بطور مستوفی به آن می پرداختند. در حالی که صحاح سته به آن نپرداخته و در کتب شیعه نیز بطور مختصر به آن پرداخته اند. ۲. با توجه به برخی آیات قرآن که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را همانند دیگر انسانها معرفی می کند، مانند: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ»؛ و اگر آن پیامبر را از میان فرشتگان بر می گزیدیم باز هم او را به صورت مردی می فرستادیم و این خلط و اشتباه که پدید آورده اند بر جای می نهدیم. (۱۲) و همچنین آیه شریفه: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْوَاحِدُ»؛ بگو: من انسانی هستم همانند شما، به من وحی می شود. هرآینه خدای شما خدایی است یکتا. (۱۳) می توان گفت سایه نداشتن دائمی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به روشنی او را از دیگر هموعان ممتاز می کرد و اعتراض هایی از این قبیل که او نیز مانند ما غذا می خورد و در بازار راه می رود (۱۴) را از بین می برد. ۳. با توجه به روایات مطرح شده در منابع شیعی، سایه نداشتن اختصاص به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نداشته و امام (علیهم السلام) نیز از چنین خصوصیتی برخوردار است. ۴. در برخی از روایات مذکور می توان سایه نداشتن امام را حمل بر معنای مجازی کرد؛ مانند روایتی که در مورد امام زمان (عج) وارد شده است؛ سایه نداشتن ایشان می تواند به معنای گستردگی عدالت ایشان یا عدم همتا برای امام (عج) باشد. (۱۵) بنابراین روایات مذکور، اولاً؛ خبر واحد محسوب می شوند (۱۶) و ثانیاً؛ اگر هم چنین خصوصیتی را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امام (علیه السلام) ثابت کنند، بدلیل عدم نقل متعدد و معتبر در منابع دسته اول روایی، نهایتاً می توان به اتفاق افتادن آن در برخی ازمنه و آن هم به عنوان معجزه یا کرامت معتقد شد. ۱. الوفاء باحوال المصطفی، ص ۴۱۲. ۲. الشفاء بتعريف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۳۶۸. ۳. الانصاف، ج ۸، ص ۴۳. ۴. الخصائص الكبرى، ج ۱، ص ۱۱۷. ۵. المواهب، ج ۲، ص ۸۵. ۶. الکافی؛ ج ۱؛ ص ۴۴۲. ۷. مکارم الاخلاق، ص ۳۴. ۸. المناقب، ج ۱، ص ۱۲۴. ۹. الخصال، ج ۲، ص ۴۲۸. ۱۰. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸. ۱۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۱. ۱۲. سوره انعام، آیه ۹. ۱۳. سوره كهف؛ آیه ۱۱۰. ۱۴. سوره فرقان، آیه ۷. ۱۵. پژوهشی درباره روایات سایه نداشتن پیامبر (ص) و ائمه (ع) در منابع فریقین، مجله علوم حدیث، ص ۶۵. ۱۶. اگر چه تعداد آنها بیش از سه روایت است، اما بدلیل اختلاف در متن و یکی نبودن آنها، نمی توان این روایات را مستفیض دانست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نکاتی در رابطه با سایه نداشتن رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» که در جواب سؤال شماره ۱۲۳۰۵ عرض شد، کاربر محترم نکاتی را مطرح فرموده اند که خوب است کاربران

عزیز متوجه آن باشند. موفق باشید